

چند نسخه کتابت شده در ربع رشیدی

از موجودی کتابخانه ربع رشیدی تبریز آمار دقیقی در دست نداریم. این کتابخانه که بخشی از «شهرچه»ی فرهنگی ربع رشیدی بوده است به همت وزیر نخبه‌پرور و دانشمند ایلخانان، خواجه رشیدالدوله والدین فضل‌الله همدانی (مقتد. در ۷۱۸ق، ابهر) در کنار دیگر تأسیسات شهرک مزبور بنیان نهاده شد.

در منابع آمده که خواجه رشیدالدین شصت هزار جلد کتاب و هزار مصحف را وقف بیت‌الکتب ربع رشیدی نمود که تنها وصف مختصری از قرآن‌های این مجموعه، نشانگر نفاست کتب و سلیقه مشکل‌پسند خواجه در دست‌چین کردن این گنجینه است. در مورد دیگر کتاب‌ها نیز همین اندازه دانسته است که «در انواع علوم و تواریخ و اشعار و حکایات و امثال و غیره» بوده و «از ممالک ایران و توران و مصر و مغرب و روم و صین و هند» گرد آمده است.^۱ با این حساب، بیره نیست که کتابخانه ربع رشیدی را از نفیس‌ترین مخازن کتاب آن روزگار بشماریم. البته آمار شصت هزار جلد کتاب برای کتابخانه‌ای وابسته به حکومت رقم بزرگی نیست، زیرا که به عنوان نمونه، پیش از این دوره خواجه نصیرالدین طوسی در رصدخانه مراغه چهارصد هزار جلد کتاب گرد آورده بود^۲، ولی در مقایسه کتابخانه ربع با اقران خود دو مطلب باید در نظر گرفته شود: یکی نفاست بی نظیر کتابخانه و دیگر برنامه پویای مجموعه ربع در افزودن بر گنجینه مکتوبات خود، به طوری که کارگاهی ویژه کاغذسازی در شهرک وجود داشته که مواد خام کتاب‌سازان را تأمین می‌کرده است. با این حساب می‌توان تخمین زد که در طول حیات ربع رشیدی تا زمان قتل خواجه، آمار مخازن بیت‌الکتب تا چه میزان بالا رفته است. پس از قتل خواجه رشید در ۱۷ جمادی الاول سال ۷۱۸ق^۳، ربع رشیدی به غارت رفت که بیت‌الکتب نیز بخشی از آن بود. در دوران ابوسعید بهادر، غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشید در ۷۲۷ق^۴ به وزارت می‌رسد و به پیروی از شیوه سلوک پدر، علاوه بر احیای ربع، مراکز دیگری نیز خود بنیان می‌نهد. از جزئیات ربع در این دوره هیچ نمی‌دانیم. تنها اطلاع مختصری که داریم مستند به انجام چند نسخه خطی بازمانده از آن روزگار است. در بیشتر این نسخه‌ها محل دقیق کتابت خانقاه ربع رشیدی ذکر کرده‌اند. پس تا زمانی که سند قابل اطمینانی به دست نیامده باشد می‌بایست «خانقاه ربع رشیدی» را پایگاه علمی شهرک در روزگار غیاث‌الدین محمد وزیر محسوب کنیم.

بیست و یکم رمضان سال ۷۳۶ق، در پی قتل غیاث‌الدین محمد، ربع رشیدی بار دیگر به غارت می‌رود. حافظ ابرو (د. ۸۳۳ق) مختصری در توصیف این ماجرا آورده است:

رند و او باش چنین حالتی از خدا می‌خواستند به بهانه ایشان به تاراج برخاستند و زیادت از هزار خانه که بدیشان منسوب بودند نیز غارت کردند و از ربع رشیدی و خانه‌های وزیران چندان مرصعات و نقود و اقمشه و امتعه و کتب نفیس بیرون آوردند که شرح آن را مدتی مدید باید، با وجود آنکه به ارزانی به عشر معشار کمتر می‌فروختند، بسیاری از مردم بی‌نوا از آن مایه‌های فراوان اندوختند و صاحب ثروت گشتند. چون هرچه ظاهر بود به نهب و غارت تاراج شد، جهت اظهار نهانی‌ها به آقربا و اتباع وزیر سعید تشدها نمودند.^۵

با این توصیف هر نسخه‌ای که از آن ماجرا جان به در برده و به دست ما رسیده باشد شایسته توجه ویژه است. الزاماً تمام کتب استنساخ شده در ربع رشیدی نباید اشاره به محل کتابت خود داشته باشند. ضمناً نمی‌دانیم آیا

^۱ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سوانح الافکار رشیدی، به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه (تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۸)، ص ۲۱۴.
^۲ منوچهر مرتضوی، «دانش و دانشگاه در آذربایجان»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، دوره ششم (آذر ۱۳۳۳)، ۳: ۳۶۴.
^۳ حافظ ابرو، ذیل جامع التواریخ رشیدی، با مقدمه و حواشی و تعلیقات خان‌بابا بیانی، بخش نخستین (تهران: شرکت تضامنی علمی، ۱۳۱۷)، ص ۷۹؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به‌اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۶۴.
^۴ حافظ حسین کربلایی تبریزی، روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح و تعلیق جعفر سلطان‌القرایی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴)، ۱: ۵۱۴.
^۵ حافظ ابرو، همان، ص ۱۵۱.

بر تمام کتب ربیع، چه در زمان خواجه و چه در زمان پسرش، مهری وجود داشته یا خیر. با این حال نسخه‌های اندکی را می‌شناسیم که در ربیع رشیدی کتابت شده و در شناسنامه خود بر این مطلب گواها‌اند.^۶ در این مختصر، چند نسخه‌ای را که در ربیع رشیدی کتابت شده و به این موضوع در انجامه خود اشاره دارند معرفی می‌کنیم که البته بیشتر آنها در فهرست‌های منتشر شده مذکورند. فقط یک مورد را که برای نخستین بار مطرح می‌شود با تفصیل بیشتری بررسی می‌کنیم:

۱. **الصحائف الالهیه**^۷: این نسخه در کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی در قم نگهداری می‌شود و اطلاعات مورد نیاز اولیه را در فهرست آن کتابخانه می‌توان یافت. این نسخه کامل و بدون افتادگی است و روی برگ اول نسخه یادداشت‌های متفرقه‌ای وجود داشته که بعدها بسیاری سیاه یا محو شده‌اند. این نسخه پاکیزه و کامل در زمان حیات خواجه رشید در مدرسه رشیدیة تبریز استنساخ شده و از این نظر بسیار عزیزالوجود است.^۸ انجامه نسخه به این صورت آمده است: «وقد وقع الفراغ من تحرير هذا الكتاب يوم الاحد الحادي عشر من صفر ختم بالخیر والظفر سنة سبع عشرة و سبعمائة الهلالية؛ یا رب اختتم بالخير؛ فی مدرسة رشیدیة تبریز*».



تصویر ۱

^۶ مبنای معرفی ما نسخه‌هایی است که به محل کتابت خود اشاره دارند، و الا تعداد نسخه‌هایی که حاصل کارگاه‌های ربیع است، با توجه به قراین نسخه‌شناسی و بررسی نسخه‌های مصور آن عصر، بسیار بیشتر است.

^۷ نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، زیر نظر سید محمود مرعشی، با همکاری گروه فهرست‌نگاران کتابخانه (قم، ۱۳۸۰)، ۳۰: ۸۲، ۸۳، ۷۷۱.

^۸ در این دوره مدارس چندی به دستور خواجه رشید در چندین نقطه ایران از جمله بزد، تبریز و سلطانیه ساخته شد. نسخه‌ای از شرح القانون به ش ۱۰۲۵ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم وجود دارد که در ۷۳۷ق و در مدرسه وزیریه رشیدیة در سلطانیه استنساخ شده است. نک: سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، زیر نظر سید محمود مرعشی (قم، ۱۳۷۵)، ۲۶: ۲۱۲.



۲. مجموعه: این مجموعه کهن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۲۸۹ مجموعه کتابخانه سنای سابق محفوظ است. با جلد تیماج بیاضی و اندازه ۱۴×۶ و دارای ۱۹۰ برگ^۹، به خط تحریری، عناوین به سنگرف، اوراق رطوبت دیده ولی بسیار واضح (رطوبت آسیب کلی به نسخه وارد نکرده است). این مجموعه گرانقدر دارای بخش‌هایی است که در فهرست کتابخانه خیلی موجز به آنها اشاره شده است^{۱۰}:

نخستین رساله در این مجموعه کتاب الانوار است، از مؤلفی ناشناس. آغاز نسخه افتاده و نام کتاب در انجامه نسخه آمده است. کتاب دارای سه مطلع است و مطلع اول شامل دو اشراق که «اشراق الثانی فی اکتساب التصدیقات» در برگ ۱۲ الف به چشم می‌خورد. مطلع ثانی که در مبادی است در چند لمعه بدون نام مرتب شده است. اما مطلع ثالث از هفت نور تشکیل شده که در فهرست کتابخانه، عناوین انوارها آمده است. از میان بخش‌های این مجموعه، تنها بخش اول و بخش آخر دارای رقم کاتب است که نظر به اهمیت آنها در اینجا آورده می‌شود. انجامه:

تم کتاب الانوار - بحمدالله تعالی و حسن توفیقه - علی یدی العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله القوی احمد بن الحاج عبدالرحمن بن ابی بکر بن عثمان العفانی الملقب بفخر الهمدانی رابع و العشرین من شوال سنة ثلث و ثلثین و سبعمائة بمدینة تبریز فی الخانقاه المبنی بالربیع الرشیدی* - رحم الله بانیه و غفر الکاتب و والديه و من نظر فی هذا الکتاب و من قال آمین رب العالمین.

بنابر یادداشت کاتب - که با توجه به لقبش، فخر همدانی، گویا یک شخصیت مهم علمی بوده است - و خود وی این بخش رساله را تصحیح و مقابله کرده است.

آخرین رساله در این مجموعه الصحائف الالهیه است که گویا در تبریز آن روزگار اثری مطرح بوده است.^{۱۱} برگ نخست رساله افتاده است. انجامه این رساله در برگ ۱۹۰ نسخه چنین است:

وقد وقع الفراغ من تحریر کتاب الصحائف الالهیه یوم الجمعة الثانی من ذی القعدة سنة ثلث و ثلثین و سبعمائة علی یدی العبد الضعیف الفقیر الی رحمة الله القوی الغنی احمد بن الحاج عبدالرحمن بن ابی بکر بن عثمان العفانی الملقب بفخر الهمدانی - غفر الله له و لوالديه و لمن نظر فیه و قال آمین - اللهم اجعل صاحبه و منقّمه من صلحاء عبادک و خالصاء عبادک بحق حقک یا قاضی الحاجات و یا کافی المهمات و کان الفراغ بمدینة تبریز فی الخانقاه المبنی بالربیع الرشیدی* - رحم الله بانیها و حمّاها عن ... [آسیب دیده].

۳. شرح قانون: از ابن نفیس. این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و اطلاعات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی آن به طور مفصل و دقیق در فهرست آن کتابخانه آمده است.^{۱۲} از بررسی انجامه نسخه که تصویر آن در انتهای فهرست کتابخانه موجود است به شباهت فراوان خط نسخه با نسخه‌ای از شرح منهاج الوصول (← پایین تر) پی می‌بریم که این از نظر خط‌شناسی نیز حائز اهمیت است.

این نسخه از شرح قانون که نام کاتب آن دانسته نیست در «الخانقاه المعمورة بالربیع الرشیدی*» کتابت شده و بعدها شاه عباس صفوی آن را وقف آستانه مقدسه رضویه کرده است.

^۹ برگ‌شمار این نسخه از انتها به ابتدا نوشته شده است. آنچه در اینجا نشان داده می‌شود براساس نظم درست شمارش اوراق است که نسخه را از نزدیک دیده و برگ‌شماری کرده‌ام.

^{۱۰} نک: محمدتقی دانش‌پژوه و بهاء‌الدین علمی انواری، فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۶ (سنای سابق)، (تهران، ۱۳۵۹)، ۲: ۲۱۰-۲۱۲.

^{۱۱} حتی مؤلف یکی از شروح مهم این اثر، به نام المعارف فی شرح الصحائف، نیز در سال ۶۸۸ق در تبریز بوده است. در این مورد نک: ذریعه، ۱۵: ۹. از نسخه‌ای که آقا بزرگ از این شرح معرفی کرده اطلاعی ندارم، اما اخیراً نسخه‌ای کهن از آن، مورخ ۷۴۵ق، در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی خریداری شده است. نک: میراث شهاب، ش ۳۲ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۲۴.

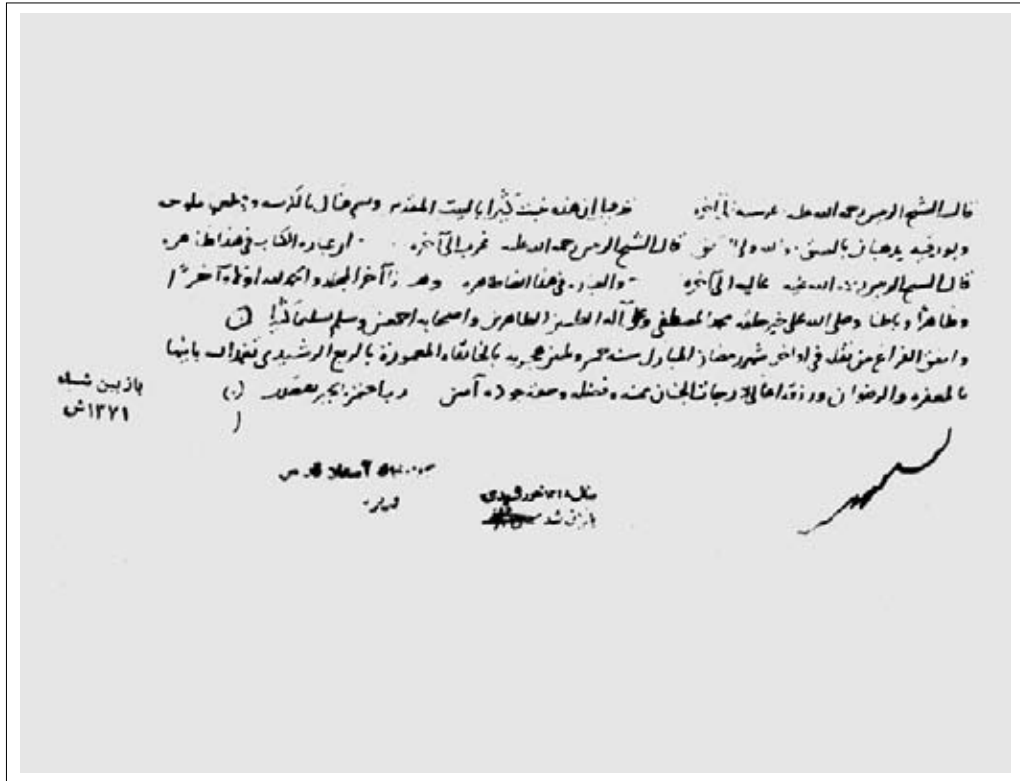
^{۱۲} غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (مشهد: انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰)، ۱۹: ۲۹۷-۳۰۰.



تصویر ۳



تصویر ۲



تصویر ۴



۴. شرح منهاج الوصول الى علم الاصول: شرحی است بر منهاج الوصول قاضی بیضاوی در اصول فقه. شارح برهان الدین عبیدالله بن محمد الهاشمی الفرغانی العبری نام دارد. این نسخه در ریح رشیدی کتابت شده است و برای نخستین بار است که مجال طرح می یابد. ضمناً مهم ترین نسخه از این اثر و به اصطلاح اقدم نسخ به دست آمده از آن می باشد.

مؤلف این اثر، برهان الدین عبری^{۱۳}، از بزرگان علوم فقهی و کلامی در روزگار خود و قاضی تبریز بوده و گویا پس از آمدن از سلطانیه به تبریز، به این سمت منصوب شده است. او در دوران اولجایتو به همراه بزرگانی، چون علامه حسن بن مطهر حلّی، نظام الدین عبدالملک، نورالدین تستری و عضدالدین ایجی، به عنوان استادی برجسته و گزیده، به تدریس در مدرسه سیار ایلخان^{۱۴} اشتغال دارد. ابوالقاسم کاشانی در تاریخ خود با اشاره به این مطلب، عبری را آگاه به علوم یونانی معرفی می کند.^{۱۵} حمدالله مستوفی که تاریخ گزیده را در ۷۳۰ق تألیف و به غیاث الدین محمد بن رشیدالدین تقدیم کرده است، قاضی عبری را سرآمد علمای وقت تبریز می داند.^{۱۶} سال وفات او را تمام منابع ۷۴۳ق ذکر کرده اند، اما در مورد ماه وفاتش بین ذی الحجّه، رجب و رمضان اختلاف وجود دارد. بی شک برهان الدین عبری عالمی است که هم در روزگار خواجه رشیدالدین فضل الله و هم در دوره فرزندش، غیاث الدین محمد وزیر، شخصیتی مطرح و شناخته شده است. در مجموعه نامه های خواجه رشید، نامه ای موجود است که در آن برهان الدین عبری یکی از پنجاه و یک کسی است که از خواجه صله و خلعت دریافت کرده و این در دوره حیات قاضی ناصر بیضاوی است، زیرا که او نیز در این نامه مشمول عنایت خواجه قرار گرفته است.^{۱۷} به گفته مرحوم دانش پژوه در مقدمه سوانح الافکار رشیدی، «شاید از اوست که در لطایف الحقایق (ص ۷۶۵) یاد می شود.» ضمناً برهان الدین عبری یکی از تقریظ نویسان بر آثار خواجه رشید است که این خود سندی است بر اهمیت او در حیات خواجه رشید.^{۱۸}

در مورد سید شمس الدین محمد حسینی یزدی^{۱۹} از سادات حسینی یزد که شرح منهاج الوصول برهان الدین عبری به او تقدیم شده بسیار کم می دانیم. ظاهراً او همان داماد خواجه رشید بوده و پس از خواجه مورد حمایت غیاث الدین محمد پسر خواجه رشید قرار می گیرد و به مناصب دولتی می رسد. از این به بعد است که در تبریز ماندگار می شود.

^{۱۳} در مورد او نک: خیرالدین الزرکلی، الاعلام (بیروت: دارالعلم للملایین، بی تا)، ۴: ۱۲۶، ۱۹۷؛ عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹)، ۶: ۱۳۶؛ جنید شیرازی، شد الاوزار فی حظ الاوزار عن زوار المزار، به تصحیح و تحشیه محمد قزوینی و عباس اقبال [تهران]: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸)، صص ۲۱۳ - ۲۱۴؛ ابن الکربلائی، ۱: ۵۶۱.

^{۱۴} این مدرسه کریاس نام داشته است. در مورد آن نک: مظفر بختیار، «نامنوشته سلطان محمد خدابنده اولجایتو»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ج ۲۷ (۱۳۶۸)، ش ۳ - ۴: ۲۱۴؛ حافظ ابرو، مجمع التواریخ، نسخه خطی، ملک، گ ۲۳۷، به نقل از ذیل جامع التواریخ رشیدی، بخش نخستین، ص ۵۳.

^{۱۵} ابوالقاسم کاشانی، تاریخ الجایتو، به اهتمام مهین همبلی (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۸)، ص ۱۰۸.

^{۱۶} حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۶۹.

^{۱۷} سوانح الافکار رشیدی، نامه بیستم، ص ۶۹.

^{۱۸} این تقریظها در ابتدای آثار خواجه رشید کتابت می شده اند و نشانگر تأیید شخصیت علمی خواجه از نظر علمای زمان بوده است. تمام این ستایش نامه ها امروز به ما رسیده است و خوشبختانه هر دو تحریر فارسی و عربی آن را در دست داریم. کهن ترین نسخه ای که تحریر فارسی این تقریظها را در بردارد، نسخه شماره ۳۴۱۵ در کتابخانه نور عثمانیه است که فیلم آن به ش ۴۸۷ و عکس آن به شماره های ۸۵۶ تا ۸۶۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است.

^{۱۹} در مورد او نک: ایرج افشار، «رشیدالدین فضل الله و یزد»، در مجموعه خطابه های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل الله همدانی (تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۰)، صص ۲۹ - ۳۰؛ همو، یادگارهای یزد (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، و خانه کتاب یزد، ج ۲، ۱۳۷۴)، ۲: ۵۸۸ - ۶۰۳. قابل ذکر است که در برخی نسخه ها آثار خواجه که صاحب تقریظهای بزرگان و دانشمندان است، تقریظی مختصر از شخصی به نام محمد بن محمد بن ابی عبدالله النظام حسینی آمده است (نک: التوضیحات الرشیدیه، عکس شماره ۴۱۲ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران که از روی نسخه شماره ۲۳۲۲ کتابخانه احمد ثالث ترکیه تهیه شده است، گ ۹۰) همچنین کتاب الغراضه فی الحکایة السلجوقیه، اثر محمد بن محمد بن عبدالله بن النظام حسینی، درباره تاریخ سلجوقیان موجود است که دانسته نیست آیا شرح منهاج عبری به آنها تقدیم شده است یا به شمس الدین محمد حسینی یزدی. هر چه هست مسلم است که این افراد (که شاید همگی یک نفر باشند و در نتیجه اشتباهات تاریخ نگاران اسامی آنان به این اشکال ضبط شده است) همگی از خاندان حسینی یزد هستند.



جامع‌الخیرات فهرستی از اوقاف او و پدرش، رکن‌الدین محمد، در یزد است که از مکتب مالی این خاندان حکایت دارد.^{۲۰} متأسفانه در مورد تاریخ دقیق وفات او اطلاعی در دست نداریم و فقط می‌دانیم که در سال ۷۳۳ق درگذشته است. در اینجا خواهیم گفت که براساس تاریخ تألیف شرح منهاج الوصول مورد بحث، می‌توانیم اندکی دقیق‌تر در مورد تاریخ وفات او سخن بگوییم. اما نسخه‌ی مورد بحث:

این نسخه از شرح منهاج الوصول قبلاً جزو کتب مرحوم دکتر سید جلال‌الدین محدث ارموی بوده که پس از درگذشت وی تمامی کتب خطی آن مرحوم به مرکز احیاء میراث اسلامی در قم منتقل شده است و اکنون نسخه‌ی مزبور به شماره ۳۵۰۱ در این مرکز نگهداری می‌شود.

نسخه دارای ۷۴ برگ و اندازه ۲۱×۱۵ سانتیمتر است. در دو برگ آغاز نسخه پیش از شروع متن یادداشت‌هایی دیده می‌شود. جلد تیماج قهوه‌ای و بدون مقوای نسخه بسیار کوچکتر از اندازه کاغذ است و شاید از آن کتابی دیگر بوده و اکنون محافظ این نسخه شده است. مشخصات تعداد اوراق را کسی در برگ اول چنین نگاشته است: عدد اوراق این کتاب هفتاد و سه ورق است و هر ورقی هفتاد و دو سطر است [هر صفحه ۳۶ سطر دارد و هر ورق ۲×۳۶ سطر یعنی ۷۲ سطر خواهد داشت] و هر سطر دو بیت و دوازده حرف بیشتر است که هر ورقی عبارت از صد و شصت بیت تخمیناً پانزده هزار بیت است؛ و اعلم یک صفحه اول می‌خواهد. از صفحه ۵ که متن آغاز می‌شود افتادگی نسخه مشهود است. نسخه از اواسط مبحث تعریف اصول فقه پیش از مقدمه منهاج الوصول بیضای آمده آغاز می‌شود و اولین جمله کاملی که از متن بیضای شرح شده این است: «قیل الفقه من باب الظنون...».

خط نسخه بسیار ریز و بعضاً کم نقطه و به خط تحریری است. عناوین «قوله» و «اقول» که به ترتیب، قبل از متن و شرح آمده به شنگرف است. در حواشی نسخه تصحیحاتی نیز دیده می‌شود. نگاشتن ۳۶ سطر در کاغذی به قطع ۲۱×۱۵ سانتیمتر نشانه‌ای از ارزشمند بودن کاغذ و صرفه‌جویی در استفاده از آن در گذشته است. در بقیه نسخه افتادگی دیده نمی‌شود و مطابق آنچه در انجامه اثر، در مورد تاریخ کتابت نسخه آمده است، می‌بایست مهم‌ترین و کهن‌ترین نسخه موجود باشد که حدود شش ماه پس از تألیف آن کتابت شده است.

قبل از انجامه نسخه، جمله‌ای هست که تاریخ اتمام تألیف را نشان می‌دهد:

وقد وقع الفراغ من تألیف شرح کتاب المنهاج فی الثالث والعشیرین من ربیع الاول سنة ثلاث و ثلاثین و سبعمائة والحمد لله حق حمده والصلوة علی محمد نبیه و عبده.^{۲۱}

با این پیش فرض که شمس‌الدین محمد حسینی یزدی که اثر به او تقدیم شده در ۷۳۳ق در تبریز فوت کرده است و اگر تاریخ تألیف آن ۲۳ ربیع الاول ۷۳۳ق باشد، بی‌شک مرگ شمس‌الدین محمد حسینی یزدی پس از این تاریخ روی داده و این چیزی است که آن را در هیچ منبع دیگری نمی‌یابیم. اما انجامه نسخه مورد بحث چنین است: تم تحریر هذا الكتاب الشریف علی ید عبیدالله المذنب المحتاج الی رحمته و رضوانه - علی بن علی بن ابی‌المجد الساوی - تاب الله علیه و غفر بفضله له و لوالدیه فی الربیع الرشیدی* [کذا] من مدینه تبریز المعظمة ^ت فی یوم الاحد الحادی و العشرین من رمضان المبارک سنة ثلاث و ثلاثین و سبعمائة و الحمد لله علی افضاله و الصلوة و السلام علی محمد و صحبه و آله م.

در مورد کاتب نسخه اطلاعی به دست نیامد. شاید او از شاگردان برهان‌الدین عبری و یا از اساتید تبریز بوده باشد که این شرح را درس می‌گفته است. اگرچه نام او و پدرش «علی» است ولی تقدیم «صحبه» بر «آله» در جمله پایانی شاید از مذهب غیر شیعی او حکایت کند.

جواد بشری

(قم)

^{۲۰} جامع‌الخیرات (وقف‌نامه رکن‌الدین حسینی یزدی)، به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، در فرهنگ ایران زمین، ۹: ۲۶۸-۲۷۷؛ چاپ بهتری از این اثر بعدها در یادگارهای یزد عرضه شد.

^{۲۱} تا جایی که اطلاع داریم این عبارت مهم که تنها سند بیان‌کننده تاریخ تألیف اثر است، به جز نسخه مرحوم محدث، در نسخه شماره ۱۷۳۰۳ آستان قدس رضوی نیز آمده است.



۱۴۸

الاصول اذا وجب وجب علينا لوجوبه فتابعت عليه لعمومها بالانقياد وان لم ينظر في وجوب يحصل اصول الدين بالانوار
 من جهاتكم بل انما وجدنا واسا نيل المصنف فهاذا ان كان الماد منه انما لما بينا ان الحمد في الفروع طاز ان
 يكون متفكراً في المسائل الاصولية لم يكن يحصل اصول الدين واجبا على الحمد واداء المبحث عليه حازم ولا
 سعيام في اصول الدين واذا جاز له حازه لغيره اجابها فهاذا الاستعانة في اصول الدين لظواهره سواء كان متفكراً
 اولاد الله اعلم بالصواب وتذرع الفروع من تأليف سراج كتاب المعاني في الثالث والعشرين برابع الاصل
 سنة ثلاث وثلثين وسهوا والمجد لله حرمه والصلوة على محمد وآله ثم تحرر هذا الكتاب

السوق على يد عبد الله الخطيب الحاج ال رحيم ورضوانه
 على علم في الجدار في باب الإلهام وعرف بعض
 له ولوالده من الترمذ في الوجود
 مؤسس مؤسس المعظم في اصول
 والمجاهدين والعسوس ورضوان
 الكسار في سنة ثلاث وثلثين
 وسهوا والمجد لله
 على أعماله والصلوة
 والسلام على
 محمد وآله
 ورام



مركز أحياء التراث الأندلسي

ميرجلال الدين محدث
 ۱۳۳۰

تصوير 5: انجامة «شرح منهاج الوصول»، به خط علي بن ابي المجد الساوي، كتابت شده در ربع رشیدی، ۷۳۳ ق (قم)، مركز احياء ميراث اسلامي، ش ۲۵۰۱، مجموعة محدث ارموي.

